

مشکلات رفتاری کودکان

راهنمای کاربردی برای والدین

دکتر مهرداد سعادت



۱۳۹۸

سرشناسه	: سعادت، مهرناز، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: مشکلات رفتاری کودکان: راهنمای کاربردی برای والدین/تالیف مهرناز سعادت.
مشخصات نشر	: تهران: بوی کاغذ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۴ ص.
شابک	: 978-622-6070-21-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: اختلالات رفتاری در کودکان
موضوع	: Behavior disorders in children
موضوع	: اختلالات رفتاری در کودکان -- درمان
موضوع	: Behavior disorders in children -- Treatment
موضوع	: کودکان -- روان شناسی
موضوع	: Child psychology
موضوع	: نوجوانان -- روان شناسی
موضوع	: Adolescent psychology
رده بندی کنگر	: ۱۳۹۷ س ۷۲۵ الف/۵۰۶
رده بندی دیویی	: ۶۱۸/۹۸۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۵۲

تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر شمالی، کوچه مجد، شماره ۵.



واحد یکم غربی، کد پستی ۱۴۱۸۹۴۵۸۵۱

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۲۸۴۹۱ | فاکس: ۰۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

رایانامه: info@booka.ir | وبسایت: www.booka.ir

مشکلات رفتاری کودکان

راهنمای کاربردی برای والدین

تألیف: دکتر مهرناز سعادت

چاپ: اول، ۱۳۹۸ | مدیر تولید: احمد رمضانی | ناظر فنی چاپ: رضا جعفری

تیراژ: ۵۰۰ نسخه | چاپ و صحافی: چاپ سفیر قلم

قیمت: ۳۲۵.۰۰۰ ریال | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۷۰-۲۱-۸

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۵	 مقدمه
۱۵	 مشکلات رفتاری درون نمود
۱۵	 اضطراب کودکان
۲۲	 کنترل اضطراب در کودکان با روش فرزندز "FRIENDS"
۳۰	 کنترل اضطراب در کودکان با روش توانمندسازی والدین "EP"
۳۷	 اضطراب بازگشت به مدرسه
۴۵	 مشکلات رفتاری بر ن نمود
۴۵	 کودکان با اختلال نافرمانی-اجرای
۵۲	 کودکان دارای اختلال سلوک
۵۷	 اختلال نارسایی توجه همراه با بیش فعالی
۸۳	 خشم کودکان و نحوه برخورد با آن
۸۵	 عصبانیت طولانی مدت
۱۰۳	 بی‌اعتنایی کودک
۱۰۴	 اختلال منفعل-مهاجم یا خشم پنهان کودک
۱۱۱	 خشم زاویه دار
۱۲۷	 جنگ‌های قدرتی
۱۳۳	 قالب‌های رفتاری نوجوانان
۱۳۳	 قالب تانک ویرانگر
۱۳۴	 قالب مین زمینی
۱۳۵	 قالب غر زن حرفه‌ای
۱۳۶	 قالب سکوت
۱۳۷	 قالب عقل کل
۱۳۸	 قالب منفی‌باف ناراضی
۱۳۸	 قالب تیرانداز در کمین نشسته

۱۴۰.....	کودک بی انگیزه.....
۱۶۴.....	القاب منفی.....
۱۶۹.....	اعتماد به نفس پایین در کودکان.....
۱۸۱.....	فهرست منابع.....

www.ketab.ir

مقدمه

موقعیت‌های چالش‌برانگیز زیادی وجود دارد که می‌تواند رشد کودکان را تحت تأثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد مبارزه با این چالش‌ها نه تنها باعث رشد و پیشرفت کودک می‌شود، بلکه به رشد حائز اهمیت نیز کمک می‌کند. عدم برخورد مناسب و بهنگام با این قبیل مشکلات می‌تواند به قسمت‌های مختلف زندگی فردی مانند مدرسه، ارتباطات و گروه‌های اجتماعی گسترش یابد و اثرات مخرب بر زندگی کودک و خانواده‌اش بگذارد. این آسیب‌ها می‌تواند در عرصه‌های مختلف از قبیل تأخیر در رشد و یا عدم توانایی برای بروز قابلیت‌ها باشد (بریس میستر و شفر، ۲۰۰۷).

این کتاب از طریق بحث دربارهٔ چالش‌های فرزندپروری و سعی در تغییر دیدگاه‌ها و عکس‌العمل‌های والدین در رفتار با فرزندانشان، در تلاش است تا مشکلات رفتاری کودکان را کاهش داده و فرزندپروری صحیح را به خانواده‌ها آموزش دهد. کیفیت فرزندپروری عامل عمده‌ای در رشد و تکامل کودکان است و نامناسب بودن آن در کنار تعارضات خانوادگی و فقدان رابطهٔ گرم و مثبت با فرزند، عامل پیش‌بینی‌کنندهٔ قوی در بروز مشکلات هیجانی- رفتاری در کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. انسان از بدو تولد می‌آموزد که به‌صورت اجتماعی زندگی کند تا نیازهای جسمی و روانی‌اش بهتر برآورده شود و از امنیت مناسبی نیز برخوردار شود. از آنجاکه سلامت روانی فرد متأثر از عوامل اجتماعی است، پس موفقیت‌ها یا ناکامی‌های او در سازش‌یافتگی‌های اجتماعی و لذت بردن از زندگی گروهی در گرو زندگی خانوادگی و اجتماعی اوست. زندگی در صورتی برای فرد رضایت‌بخش خواهد بود که احتیاجاتش به‌طور نسبی برآورده شود و با توجه به مراحل رشد و تکاملش، به احساسات و عواطف او به شیوهٔ منطقی پاسخ داده شود. مسلماً این مسائل تنها به خود کودک مربوط نمی‌شود؛ بلکه محیط خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی و تمام عواملی که بر او تأثیر می‌گذارد باید مساعد باشد. کودکی که

نیازهای جسمی و روانی‌اش به اعتدال ارضاء شود و از امنیت خانوادگی مطلوبی برخوردار باشد، یقیناً دارای سلامت روانی بیشتری خواهد بود (حیدری، ۱۳۸۷).

شیوه‌های فرزندپروری^۱

سبک فرزندپروری به عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها نسبت به کودک در نظر گرفته می‌شود که منجر به ایجاد جو هیجانی خاصی می‌شود و رفتارهای والدین در آن جو بروز می‌نماید. در این رابطه، والدین به سه گروه مختلف تقسیم می‌شوند:

گروه اول، والدین دیکتاتور هستند که فرزندان خود را مجبور به اطاعت کورکورانه می‌کنند. این گروه، فرزندان خود را محدود کرده، اختیار و آزادی کمتری به آنها می‌دهند و معتقدند که «ما را همان‌طور که ما بایستی زیر نظر آنان باشد. در نتیجه، ضوابط رفتاری آنها انعطاف‌پذیر نبوده و یک جانبه است و گاهی اوقات برای اجرای همان ضوابط رفتاری، کودکان را تنبیه می‌نماید.

گروه دوم، والدین با تسلط هستند که با فرزندان خود با اقتدار رفتار کرده و برخلاف گروه اول معتقد به انعطاف‌پذیری در رفتار هستند. این والدین به فرزندان خود فرصت می‌دهند تا در صورت لزوم اعتراض کنند. تربیت خاصی را با دلیل به آنها تفهیم می‌کنند.

گروه سوم، والدین سهل‌گیر هستند که نسبت به رفتار فرزندان تحمل‌پذیرند و در برابر اعمال خلاف، چشم‌پوشی می‌کنند. این والدین، معارضان شخصی را جهت رفتار کودکان در نظر می‌گیرند و سایر رفتار آنان را با دیده اغماض می‌نگرند، جز رفتارهایی که باعث صدمه و آسیب بدنی به آنها می‌شود.

ابعاد شیوه‌های فرزندپروری

شیوه‌های مختلف فرزندپروری در دو بُعد با هم تفاوت دارد (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳).

الف. بُعد پذیرندگی - پاسخ‌دهندگی: این بُعد، اشاره به میزانی دارد که والدین به نیازهای فرزندان‌شان حساس‌اند، پاسخ می‌دهند و حمایت‌کننده هستند (مکوبی و مارتین، ۱۹۸۳). آنها محبت و تحسین و تمجید را هنگامی که فرزندان نیاز دارند، برایشان فراهم می‌کنند. والدین پذیرنده - پاسخ‌دهنده، خونگرم و مهربان بوده و همواره لبخند می‌زنند.

این گروه از والدین بچه‌ها را تشویق می‌کنند و در صورت لزوم، وقتی فرزندشان بدرفتاری می‌کند، با آنها به طور انتقادی برخورد می‌کنند. اما والدینی که کمتر پذیرنده و پاسخ‌دهنده هستند، اغلب به سرعت انتقاد می‌کنند، فرزندانشان را تنبیه و تحقیر کرده، ارتباط کمتری با آنها دارند و به طور کلی آنها را نادیده می‌گیرند.

ب. **بعد توقع داشتن - کنترل:** توقع داشتن اشاره به میزانی می‌کند که والدین انتظارات و درخواست‌هایی از فرزندان خود دارند (مکوبی و مارتین، ۱۹۸۳). این والدین استانداردهای زیادی برای کودکان تعیین می‌کنند و انتظار دارند فرزندان به آن استانداردها دست یابند. مثلاً، والدینی که توقع و کنترل کمتری دارند، والدین سهل‌گیر نامیده می‌شوند. خواسته‌ها و تقاضای آنها از فرزندانشان کم است و به آنها اجازه می‌دهند عقاید و نظرات خود را آزادانه بیان نمایند (برجلی، ۱۳۸۰).

والدین با توجه به سبک‌های تربیتی پادشده و نوع نگاهشان نسبت به فرزند یا جایگاه فرزند در خانواده، رابطه‌شان را مشخص و هدایت می‌کنند. طبیعتاً، فرزندان نیز نسبت به کنش‌های والدین واکنش نشان می‌دهند. این واکنش‌ها در طی زمان و به‌مرور در قالب شخصیت آنان انعکاس می‌یابد؛ یعنی حرکات اصلی و اولیه توسط والدین آغاز و به اجرا گذاشته می‌شود. لازم به ذکر است که حرکات والدین نیز تحت تأثیر جهان‌بینی یا سرمایه‌های فرهنگی آنان است (ورکر و همکاران، ۱۹۹۷).

در اینجا لازم است به واژه شخصیت و چگونگی شکل‌گیری آن در انسان اشاره شود: به مجموعه ویژگی‌های فکری، ذهنی، ذوقی و رفتاری انسان که اغلب در گفتار، رفتار و عکس‌العمل‌های او در فعالیت‌ها و برخوردهای روزمره قابل مشاهده است. شخصیت گفته می‌شود. شخصیت به‌مانند وجدان که امری اجتماعی است (لوفور، ۱۳۷۶)، منحصراً محیط اجتماعی و فرهنگی است که فرد در آن متولد شده و بزرگ می‌شود. پُرواضح است که خانواده، فرهنگ حاکم بر جامعه، رسانه‌ها و نهاد آموزش و پرورش هر یک به‌نوعی در ساختن ویژگی‌های شخصیت فرد سهم هستند. ولی تأثیر خانواده بر شخصیت افراد از امتیاز خاصی برخوردار است (پروین، ۱۳۷۴).

شخصیت انسان به طور شگفت‌انگیزی پیچیده است (گلدارد، ۱۳۷۴) و به سادگی نمی‌توان تمام صفات شخصیت یک انسان را شناسایی کرد. از میان ویژگی‌های متعدد شخصیت افراد، یک ویژگی بیشتر قابل توجه است و آن، اجتماعی بودن انسان یا چگونگی

رابطه وی با محیط اطراف خود اعم از والدین، دوستان و اولیای مدرسه است. برای شناسایی بهتر این رابطه بهتر است به اندیشه ژاک اردوآنو روان‌شناس اجتماعی معاصر فرانسوی اشاره کرد. اردوآنو، رفتار و رابطه انسان را با هر نظامی که در آن قرار دارد (خانه، مدرسه، محیط کار و غیره) در سه حالت معرفی می‌کند. وی معتقد است وقتی انسان در مقابل قوانین، هنجارها و آداب آشکار و پنهان نوشتاری و گفتاری یک نظام قرار می‌گیرد، امکان انتخاب یکی از سه حالت مختلف را دارد. این سه حالت که هرکدام ویژگی خاص خود را دارند، عبارتند از: رفتاری مجریانه، بازیگریانه و خالق‌گرایانه. هریک از این سه حالت منبسط یکی از شیوه‌های فرزندپروری است (اردوآنو، ۱۹۹۴). براساس تفکر اردوآنو، این سه حالت و ویژگی در تمام محیط‌ها قابل مشاهده است. در اینجا، آنها را در محیط خانواده مورد بررسی قرار می‌دهیم.

شخصیت مجری، بازیگر، خالق^۱

انسان‌ها دارای ویژگی‌های شخصیتی و هویت‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوتی می‌باشند، یعنی دارای «خود» های متفاوت هستند (امید، ۱۹۶۳) و خود نیز دربرگیرنده دو بخش «فاعلی» و «مفعولی» است. خود مفعول، -صل محیطی است که فرد در آن رشد می‌کند و یکسان نخواهد بود؛ چون محیط‌ها برای همه افراد یکسان نیست.

مجری: فرزندان هستند که مطیع بدون چوب‌چرای دستورات و خواسته‌های والدین خود بوده و هیچ‌گونه مخالفتی نسبت به اوامر آنها نداشته و خود را مسئول کارهای خود نمی‌دانند. این افراد متعلق به خانواده‌هایی هستند که والدین رابطه مستبدانه با فرزندان دارند. البته نمونه‌ای از پدر مستبد (استبداد استدلالی) و فرزند مجری نیز وجود دارد که فرزند بعد از رسیدن به مرز نوجوانی از حالت مجری خارج شده و به بازیگر دست می‌زند. والدینی که رابطه‌ای بر اساس دیکتاسی و آزادی دارند، فرزندشان رفتاری مجریانه ندارد.

بازیگر: فرزندان هستند که هرچند مسئولیتی در قبال اعمال خود ندارند، ولی سعی می‌کنند دستورات والدین را با توجه به شرایط خودشان تا حدودی تغییر دهند و شرایط را بر وفق مراد خود مهیا کنند. این نوع فرزندان مانند بازیگران نقش‌های مختلفی را ایفا

می‌کنند. به عبارت دیگر، بازیگران بر اساس محیط‌هایی که در آن قرار می‌گیرند، برداشت خاصی از آن محیط کرده و رفتاری مشابه آن انجام می‌دهند (فرزاد و دولابار، ۱۹۹۰). نمونه بارز این‌گونه فرزندان در سنین بعد از نوجوانی، مربوط به خانواده‌هایی است که رابطه‌ای استبدادی دارند.

خالق: فرزندی که حرف‌ها و دستورات والدین را گوش می‌کنند، شرایطی را به وجود می‌آورند که هم رضایت والدینشان را به دست آورده و هم به عقاید و خواسته‌های خودشان برسند. در واقع، آنها بر اساس خواسته‌های والدین و امکانات موجود، شرایط جدیدی را - و در می‌آورند که مطابق رضایت خود و والدینشان باشند. این‌گونه فرزندان متعلق به خانواده‌هایی هستند که دمکراسی و آزادی در محیط خانواده‌شان حاکم است.

همان‌طور که در ابتدای فصل ذکر شد، کودکی که نیازهای جسمی و روانی‌اش به اعتدال ارضاء شود و از امنیت، خانواده سالم برخوردار باشد، دارای سلامت روانی بیشتری خواهد بود. اما کودکانی هستند که به دلایل مختلف محیطی، خانوادگی و یا ارثی دارای مشکلات رفتاری هستند و باید ضمن ارزیابی، تشخیص و مداخله بهنگام، نسبت به اصلاح آن اقدام کرد (حیدری، ۱۳۸۷).

مشکلات رفتاری

مشکلات رفتاری به رفتارهایی اطلاق می‌شود که با نظر پدر، مادر، مربیان، اطرافیان و جامعه سازگاری ندارد. مشکلات رفتاری کودکان احساس نامطلوب را در اطرافیان ایجاد می‌کند و با واکنش‌های ناخوشایندی از سوی دیگران مواجه می‌شود. روان‌شناسی به رفتاری «مشکل‌ساز» گفته می‌شود که فرد قادر نیست خود را با محیط اجتماعی یا خانوادگی به‌گونه‌ای مناسب، هماهنگ یا سازگار نماید و معمولاً این ناسازگاری بر رفتار و حالات عاطفی او تأثیر می‌گذارد. در مورد این‌گونه کودکان می‌توان گفت که هر میل خود را حق دانسته و برای ارضای آن یا دستیابی به خواسته خود به گریه کردن، جیغ زدن، کتک زدن و مانند آن متوسل می‌شوند. البته باید به خاطر داشت که گاهی این رفتارها، طغیانی علیه استثمار، سلطه‌جویی، بی‌اعتنایی، سرزنش و سرکوب شدن امیال برحق کودکان است که بدین وسیله از خود مقاومت نشان می‌دهند. رفتار مشکل‌ساز عبارت است از هر فعالیتی که از لحاظ مهارت فردی برای مقابله با مشکلات و استرس‌های زندگی جنبه ضدسازندگی

داشته باشد. با وجود مشکلات بسیاری که این کودکان با آن مواجه‌اند، ولی بیشتر آنها تا سال‌ها پس از ورود به مدرسه شناسایی نمی‌شوند و تحت آموزش صحیح قرار نمی‌گیرند، مگر اینکه مشکلات رفتاری و تحصیلی آنان شدید شود (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۸).

فهم علل مشکلاتی که مانع اصلاح و سازگاری و یادگیری کودکان می‌شود به همان اندازه برای والدین اهمیت دارد که برای معلمان و کسانی که با او سروکار دارند. مشکلات رفتاری، بسیار شایع و ناتوان‌کننده‌اند و برای معلمان، خانواده و خود کودک معضلات بسیاری ایجاد کرده و با آسیب‌های اجتماعی همراه است. تاکنون تعاریف گوناگونی از مشکلات رفتاری ارائه شده و هر تعریف بر جنبه‌های ویژه‌ای تأکید می‌کند، اما همه تعاریف بر روی موارد زیر توافق نسبی دارد:

- این رفتارها افراطی هستند، البته رفتارهایی که تفاوت اندکی با هنجارها دارند جزء این دسته محسوب نمی‌شوند.

- مشکلات رفتاری ریشه‌های مستند و به‌سرعت برطرف نمی‌شوند.

- این رفتارها به دلیل ناهم‌منگی انتظارات اجتماعی فرهنگی، مورد قبول جامعه قرار نمی‌گیرند (شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۴).

علل مشکلات رفتاری در کودکان

برخی موارد که می‌توان به عنوان دلایل مشکلات رفتاری به آن اشاره کرد، عبارتند از:

۱. **علل ارثی:** گروهی معتقدند بسیاری از مشکلات رفتاری کودکان ریشه در وراثت دارد که به همراه زن از طریق والدین به آنها منتقل می‌شود.

۲. **علل زیستی:** مانند هر اختلال دیگری نقص در عملکرد مغز از آن می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند.

۳. **علل روانی:** مانند وجود فشارهای درونی، وجود تعارض و کشمکش در زندگی روزمره، خصوصاً زمانی که کودک خود را تنها، بی‌پناه و بدون پشتوانه می‌پندارد.

۴. **علل عاطفی:** احساس محرومیت از محبت والدین، ناکامی از دستیابی به اهداف موردعلاقه، تولد کودک جدید در خانواده، عدم امنیت عاطفی به هر دلیل ممکن.

۵. **علل اجتماعی:** مانند نابسامانی و اختلاف و درگیری بین اعضای خانواده، جدایی

والدین، بدآموزی از الگوهای خانه و مدرسه و جامعه، عدم مقبولیت در بین افراد پیرامون، یادگیری رفتارهای نامطلوب از گروه همسالان، عدم نظارت کافی والدین، نبود قانون منصفانه و قاطع در خانه و مدرسه، مشکلات اقتصادی.

۶. **علل تربیتی:** مانند عدم یا افراط محبت، ناهماهنگی بین عاملان تربیتی در خانه و مدرسه و جامعه؛ برآورده کردن تمام خواسته‌های کودک بدون چون و چرا و یا بالعکس، تنبیه بدنی و آزارهای روانی، مقایسه و تحقیر و سرزنش کودک.

پژوهشگر در یافته‌اند که مشکلات رفتاری معمولاً نخستین بار در سال‌های آغازین دوره ابتدایی مشاهده می‌شود و بین هشت تا پانزده سالگی به اوج خود می‌رسد (مک‌گی، ویلیامز و فیهان، ۱۹۹۲). اسمن، روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴؛ ایزر، اشمیت و وومر، ۱۹۹۰). مشکلات رفتاری به طرز چشمگیری بر عملکرد تحصیلی، اجتماعی و حرفه‌ای کودکان و نوجوانان تأثیر منفی می‌گذارد. احتمال ابتلا به بیماری‌های روانی در دوره بزرگسالی را افزایش می‌دهد (پاندینا و همکاران، ۲۰۰۷). مشکلات رفتاری احتمال ابتلا افراد به سوء مصرف مواد، فعالیت‌های بزه‌کارانه، اختلالات اضطرابی و خلقی، ناتوانی یادگیری، اختلالات عصب روان‌شناختی و اختلال شخصیت مرزی را افزایش می‌دهد (بومستر و سوین، ۱۹۹۰).

کودکان دارای مشکلات رفتاری، محدودیت‌های گسترده‌تری دارند. این کودکان دارای فراخنای (دامنه) توجه کوتاهی هستند، عزت نفس پائین دارند، در ارتباط با اعضای خانواده، اطرافیان و مردم مشکل دارند و به آسانی ناکام می‌شوند (سوز و والر، ۲۰۰۶). تکانشگری (عمل یا اقدام بدون فکر)، بی‌قراری، بیش‌فعالی، پرخاشگری، دروغ‌گویی، دزدی، عملکرد تحصیلی ضعیف و ادراک ضعیف از خودکارآمدی و سایه‌نگ اجتماعی نیز از ویژگی‌های بارز کودکان و نوجوانان دارای مشکلات رفتاری است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). همچنین، خودآزاری، دیگرآزاری، تخریب محیط، نافرمانی، حرکات و گفتار کلیشه‌ای و گوشه‌گیری از دیگر ویژگی‌های کودکان و نوجوانان دارای اختلالات رفتاری است (فارل، ۲۰۰۶). این قبیل الگوهای رفتاری در کودکان مبتلا به مشکلات رفتاری در خانه، مدرسه و در برخورد با همسالان دیده می‌شود. اگر این الگوها تداوم یابد ممکن است منجر به مشکلات عمده‌ای در سازگاری کودکان شود و از کیفیت زندگی آنها بکاهد. وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف، عدم شایستگی اجتماعی،

سوءاستفاده از کودک، تعداد زیاد اعضای خانواده، مشکلات زناشویی از قبیل جدایی، طلاق، اختلافات خانوادگی، ناسازگاری والدین، خشونت خانوادگی و مشکلات والدین مانند مشکلات و بیماری‌های روانی، جسمانی و رفتارهای بزهکارانه از جمله عوامل خطر ساز ابتلای کودکان و نوجوانان به مشکلات رفتاری محسوب می‌شود (گونی، بلک و بالدوین، ۱۹۹۸).

اگرچه از نتایج تحقیقات چنین برمی‌آید که مشکلات رفتاری پنهان یا درون‌نمود مانند افسردگی و اضطراب در دختران شیوع بیشتری دارد (کافمن، ۲۰۰۵؛ کیس و لیدلی، ۲۰۰۷). بالعکس مشکلات رفتاری آشکار یا برون‌نمود مانند اختلال نارسایی توجه/ بیش‌فعالی، اختلال سلوک، پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی در پسران شایع‌تر است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۰۰؛ کاپلان و سادوک، ۲۰۰۳؛ براست-هارکنت و باتلر، ۲۰۰۷). با این حال، شیوع مشکلات رفتاری در پسران بیشتر از دختران است (گونی، بلک و بالدوین، ۱۹۹۸).

مشکلات هیجانی-رفتاری

مشکلات هیجانی-رفتاری^۱ به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن پاسخ‌های هیجانی و رفتاری کودک یا نوجوان در مدرسه، خانه و محیط‌های دیگر با هنجارهای فرهنگی، سنی و قومی تفاوت داشته باشد، به طوری‌که بر عملکرد تحصیلی فرد، مراقبت از خود، روابط اجتماعی و سازگاری فردی تأثیر منفی بگذارد. (براست و پرسی، ۲۰۰۷)

تاکنون طبقه‌بندی‌های مختلفی برای مشکلات هیجانی-رفتاری صورت گرفته است. در اینجا به مدلی که در آن افراد به دو دسته بزرگ تقسیم‌بندی می‌شوند اشاره می‌گردد:

۱. مشکلات پنهان یا درون‌نمود^۲: مانند گوشه‌گیری، افسردگی و اضطراب که با دنیای درونی فرد سروکار دارد و با تعارض‌های روانی و هیجانی همراه است.
۲. مشکلات آشکار یا برون‌نمود^۳: شامل مواردی که به مشکلات فرد با دیگران ارتباط دارد؛ مانند اختلال نافرمانی، مقابله‌ای، اختلال سلوک و اختلال نارسایی توجه همراه با بیش‌فعالی (آخن‌باخ، هاول، کواي و کانرز، ۱۹۹۱).

1. emotional-behavioral disorder

2. internalizing behavior

3. externalizing behavior

علاوه بر این، گاهی کودکان از خود رفتارهایی همچون مشکلات خواب، تغذیه و مشکلات مربوط به آداب توالت رفتن نشان می‌دهند که در هیچ‌یک از این دو گروه قرار نمی‌گیرند.

در گروه دارای رفتارهای برون‌نمود، شباهت‌هایی به چشم می‌خورد و در عین حال، ویژگی‌های متمایزکننده‌ای نیز وجود دارد. نشانه‌های برون‌سازی از دومین سال زندگی قابل مشاهده است و به صورت بی‌قراری، گریه زیاد و لجبازی ظاهر می‌شود (دنیتا و ویلیام، ۲۰۰۵). در سال‌های بعد، پرخاشگری جسمانی، تضادورزی و نخستین شکل‌های نقض قوانین در محیط خانواده و مدرسه بروز می‌کند. در نهایت، در نوجوانی پرخاشگری کلامی و اشکال پنهان‌تر پرخاشگری مانند سرقت، تقلب، تخریب‌گری، سوءمصرف مواد و رفتارهای ضداجتماعی جدی غلبه می‌یابد که گاه در تضاد آشکار با قوانین جامعه قرار می‌گیرد و نوجوان را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد (لئو، ۲۰۰۴).

گاهی ممکن است علائم سرسابقه در یک کودک دیده شود و کار تشخیص را دشوار نماید؛ بنابراین، لازم است به علل هر شکل جداگانه اشاره شود.